

در بنا خدا

و با علمان سلا و خیر مقدا به همه شما سروران و همانان گرامی

پژوهنده زبان و ادب کردی دانشگاه گوتان

تتمه اولی

در ۷ صفحه بعین :  
برایه - روزن اردلان

شرف حضور جناب محترم ، مقامات و مناصب عالیته و عالیجاه کشوری و محلی ، علما و اندیشمندان و دانشمندان ، اساتید و دانشمندان و نویسندگان ، اقوام قهرآ و خویشت و ندان و همشهریان و هموطنان عزیز و گرامی در محبت منی اردلان شناسی ، علاوه بر اعتبار فرهنگی و تاریخی شان در ولایت صافی باین همایش داده است .

این علامت در نشان نه جاذبه و کشش است نسبت به مصلحت ، و محرمی است ؛ که بیاند جنب بگویم آن کلماتها که در نشان آن دیکر نیست نیز در نشان

مسئله نیز : تاریخ بر قوم و ملی چه بوسیدیم یک نفر و یا بوسیدیم چند نفر و گوی از آن قوم و ملت پی ریزی و دوام و قوام باید ؛ آن تاریخ ، تاریخ تک تک افراد آن قوم و ملت و اجتماع آنان میباشد ، چون حاصل مهر نیایان و اجداد مردمانی است که از آن بر خاسته اند بر همه آنان میراثی قهرآ و قابل محبت و نظمیانی است .

با اعتبار این اهل ، تاریخ اردلان نه فقط تاریخ کلد و دمان بنام اردلان ، بلکه تاریخ تک تک افراد و اجتماع گوران و همه ایرانیان لرزمان تا سینه مادروز و امروز و فردا است ؛ چرا که در اردلان ، « اگر چه بخشی از ایران است ، در سینه اعتبار سرزمین ایران و ایرانیان است .

لر زمان تضعیف و تحریک این دلرزه و جگه ها اجتماعی لرزدلان و ناک بنیاد لرزین تاریخ یعنی « با با لرزدلان » تا این زمان قریب به یک قرن و نیم مسیذرد . در این ماهم طوفانی تاریخ نیایان بود مگر به کشتن زیر خاکت تاریخ نهان مانده و این اولین باری است که بطور علنی لرزه ها خانه تاریخ سر بردن آورده و خوار در اینیا بند .

بهین مناسبت بر خوار لازم میدانم عزیزان دیر کافون خاندانی لرزدلان و به نمایندگی از جانب آنان ، چه در جمع ها و چه در عینا در هر چه است ، و با انیم نمایندگی رسمی ندارم از جانب مردم کرد و همه ایرانیان ، از نظر آن قهرآ و جلد در اسامی لرزان ، دولت قهرآ ، دانشگاه گوتان ، پژوهنده زبان و ادب

و شما حصار قهر و بیم دست اندر کاران این بهائین همی نه و خالصانه و خالصانه تشکر و قدر دانی و سپاسگذاری می نمایم.

\*\*\*

سخن اینجانب حول در محور « خالصانه » و معنی و اراده « اردلان » است. اما با اجازت شما کمی فراتر میروم تا از مقدمه و موضوع سخن مناجاتی بگویم:

خالصانه اردلان، به دوره ای میگوید که از ما در او انهر و رود مسند و هنر و افتخار، مسیتان و بهر چندان و خرابان و ایران امروزی گرفته، تا برسد به بین الهیزین یعنی عراق و بغداد و کوسان و کریم و کریمه امروزی، همه به در قهر و زیر تسلط و مطیع، اقوام ترکمن تا آید مرکزی قرار داشته

در این دوره که از سال ۳۵۰ تا ۴۷۸ هجری قمری و بعد از آنکه ادامه داشت، حکومتها مستقل و نیمه مستقل گود مثل روادریان، شدادیا، حنزیه و مروانسان و آل بویه؛ همه بدست سلجوقیان منقرض شده و مملوک آنها همیشه مقررات سلجوقی گودیده بود.

(شاه منصور) آخرین پادشاه مسلم ایرانی بود در جنگ با سلجوقیان مصلحت رعبه بود، و شاهزادگان اردانی در مملوک و سابق خود در میان گودان از ترکمن سلجوقیان بحالت خفقان زندگی میگردید. سلجوقیان با قهر و شتر با دینا در در برانسی از جمله لورشم، جغتای صلیبی را عدیت ۲ قرن از سال ۴۹۱ تا ۵۸۹ و برضو میان تحلی غزنی و بجا آبادانی همه جا غوغای خون و آتش داشت و دست و دوانی بود. از ضمیمه عباسی جز نامی باقی نبود، و با آمدن سلیغ مغول خلافت عباسی هم منقرض شد.

که همه برادران از پادشاهان دور را گود خلیف میارند

در این دوره و در این شرایط با وقته اگر تا به از انقراض اردانیان و قتل شاه منصور، یکی از نوادگان وی بنا « دهن و » از میان فارغین و

دیگر مملوکها حجت گود و میان طایفه گوران به شهر زور آمد، و در سال ۵۳۴ هجری قمری به حکومت گورانیان حکومت خود را بر شهر زور و طایفه

سال ۵۶۴ هجری قمری تا همین مملوکها را قهر و پادشاهی کردیم زلم را در این مملوکها کردیم و در این مملوکها را قهر و پادشاهی کردیم و در این مملوکها را قهر و پادشاهی کردیم

ابتدا مردم « دهن و » را قهر و پادشاهی میارند و وی را « دینا اردلان » خطاب میگردند، اما بعد از تاریخ از ایشان بنا با بار اردلان

مبارکین فیروز ساسانی یاد شد.

نام «بابا» در تاریخ کرد، از دوره ماد در جزیره کاسپی آذربایات، آذربایات یعنی پدر روحانی تا برسد به زمان کورما و هونو  
که از این نام معانی پیر، زاهد، عابد، متفاد میشود، در میان طوائف کورد تا همین زمان جاگاه قابل اتکالی داشته است.  
بابا در دلاان نه فقط راجع معنی طوائف مؤدرا و معبوده داشت، از نظر سیاسی با آنا از ابدایت نمود و بین مردم به زهد و کوی مشهور بود.

شرفانی بدلیسی در چهار شهر فغانه، و نیز خوار در رجب کوردی - فارسی این کتاب، و در خلی تانج میان قوقین و صنایع دلی؛ در مورد کتب بابا در دلاان  
باین نکتہ میرسد؛ که رسته کبی او از طوائف آخون پادشاه مروانی (شاه منصور) به احمد بن مروان و سپس به ابو عبد الله حنین بن روح تک حارثی  
معلق به باز ابو شجاع، و از این طوائف به قباد پادشاه ساسانی میرسد. که در شماره تقدیمی بدلتفاه کوردستان این نسبت در رسته درخت با مختصرا کرده  
و ادامه پیدا کرده است.

این شجره و نسبت به بر آن نسبت که فغانه در دلاان را مافیه از جدا با فغانه از مردم کورد بنمایاند؛ و یا در این عهد و زمان بخوار ساسانی در حکومت کردلان  
باز سازی نماید، بلکه عباد و محمودی از یونان کوی فرنگی و تانجی کبی از فغانه کوردی در ایوانها میاید. و طرله بیت استثنائی و بی نظیر که بعدی کفایت را  
در سخا و شفقت دارد.

به مریض بابا در دلاان بر میوم، علی غم تر فغانه، کتاب چهار علم جوان در مورد حکومت کردلان و تنی چند از جانشین بابا در دلاان اطلاعات زیادی  
دست داده، که نشان میرسد با فوت بابا در دلاان در ۹۰۶ و حکومت طولی فرزندش تا پایان حکومت هکوفان (۹۹۸ - ۱۰۲۵) این حکومت همچنان  
بلا استقلال بقوم ملر و مؤد اقدام نموده و با متفاده از کورد جدا شده ابریشم تا زمان بدگ (۹۰۰ - ۹۴۲) و قلمی حکومت عثمانی نموده است، و از این  
تاریخ بعد تا پایان حکومت هکوفان علی غم اکت در کورد جدا شده ابریشم با متفاده از نوعیت استراحت مؤد با اقتدار حکومت میکرده و ورود بادریان مرزهای  
غربی کردلان و نیز در نظامی آنان در روانداز مقوم کرده.

در ایضا جالب است که نشان غایم، سالها حکومت بدگ مصداق است با سال ۱۵۱۷ میلادی برابر ۹۲۲ ق، در این سال عثمانی نام امپراطوری محمود در خوار  
خاکه دادند و در جهت جدی به قدر کمترین امپراطوری اسلامی جدا حرکت کردند. و در همین سال در اروپا مصلح دینی آلمانی در مارتین لوتره کوی لغت خود را  
با کلیسای کاتولیک و استبداد در رهبران اعلا کورد، در اصلاحات دینی یا آلمانی بر و سکان در رسمیت شروع شد.

خان احمد خان (۱۰۲۵-۱۰۴۶) با تاج محمد حیران تأسیس کشور - ملتها در لرزه بدینال جنبها طرانی، و مساعده و تنفیذ بقوات دریافت که دوران خدمت متعلق طغیانی در میان دو امپراطوری مقتدر میان رسیده، و لذا امپراتور شاه عباس با یگانگی فکر و ارادان به هوشی و واهیدی شهرزور در درون را پذیرفت، و با فغانان هوشی با وصلت نمود. این الحاق و اتحاد هر چه امتداد و افزایش قدرت هوشی در ارادان و تمام این حکومت تا ۱۲۸۴ گردید.

با فوت شاه عباس، انتقال عمل از دست حکومت اردلان ضایع شد، و این حکومت تابع خودخواهی و اندام خارش هوشی و جانشینان او و مساعده و تنفیذ دریافت شد. و همت هندان اردلان با چهارم نیز در حین مقتدران و تبدیل در بار اردلان به دو در اسلام <sup>۴</sup> تا او را عهد نامی گردید. سنه ۱۰۲۵ که شاه عباس رحمت حکومت هوشی و رسالت آنرا در قطع رابطه اقوام هم زبان و هم آئین ترکمن، عرب و شرق، با قدرت تجدید حکومت اردلان در کرده بود، هیچ یک از جانشینان او و حکومت مرکزی دیگر در آن نماندند و به تدریج حکومت اردلان ضعیف و ضعیف گردید.

عثمانی با پورتهای مدوام از غرب، محمود و اشرف افغان، از بک و جانشینان چندی و تیمور از شرق، کابوس و الفصیل از شمال و جنوب حکومت ایران را مورد و تصرفات مدوام خود قرار دادند. با انتقال حکومت اردلان به ایران و هفتاد و هفتاد سال ۱۲۸۴ از لرزه که در رحمت و در آنجا نیز لرزه خیزان به بعضی افغان به ایران و اللذات.

سالها قرن نوزدهم میلادی سرانجام امراج افغانها استقلال طلبی و تأسیس کشور - ملتها، انجام و سرانجام گرفت. امپراطوری عثمانی مله و کور خود را در شمال آفریقا و مصر از دست داد، سرزمینها با لغت نیز متعلق شدند. انطیسی از مصر و هند و میان پها خود را علیه عثمانی بدایت میکردند. لرزه و عثمان از جانب غرب با برکت هوشی مله و فرزندانش عبدالرحمن و یحیی افغانها خوب را علیه عثمانی بدایت میزدند. هر دو از لرزه و پها پها و لغت سرزمینها را آن سر از بر شدند. دو نهار روس و الفصیل بر سر کنترل ایران و بین الهنوز با همکاری با برکت میزدند و هفتاد و هفتاد سال از لرزه در لرزه خیزان چهره خود را خراب میزدند. در این شرایط با تمجیب و مساعده حکومت قاجاریه در تلاش برای القاص خود در شرایط جدید با مقتدران خود فغانان شاه حکومت کرد.

حکمت اردلان را حذف نمود. و بر تصحیف و تحریب پایه‌ها اجتماع تاریخی اردلان، مکتب بدینان قاهر تکالیف تاریخ را بصورت کلمه تا و بدینا  
 بجا کن و نشان قاهر ابداد و تقدیم نمود. گفته و نوشته و این نشان را تا بقدرت رسیدن سردار سپهر و همراهِ کردن ران و تاسیس کشور ملت ایران  
 و برینفورمیزه کردن اجداد و فرزندان و حتی تا حذف نام کن اردلان از جوامع میبایست ادا می‌دارد.

یعنی در همان زمانی که مردم غارتگران و کینه‌ها را بر سر کوهی (آستین) در ترکیه مدرک لغت قرآن و املوی و کینه‌ها معرفی می‌شد و یک مدرسه الهی که  
 بنا آلود تاریخ و در آغاز مکتوب؛ در همان سالها و بعد از آنهم که همان تاریخ اردلان، به فرانس موفی و دزد و قالی به بنهار چون معرفی می‌شدند!

پیرا زنی طعمه به پرورز بیادیت	روز ز نرنگ عقیابی به هوا خاست	یا اللطیب
سیر ز قضا و قدر از اهت بودیت	ناله ز کینه‌ها یکی سلامت کمانی	
کز آهن و در چوب نه کرد لصدنکو	کز آهن و از چوب مرا گراف بیت	
چون نیک نظر کرد پر خویش بود دید	لغتا ز که نالیم که از حالت که بر ما	

x x x

واژه « اردلان » و معنی آن:

واژه اردلان چنانکه از شعر زیر بدایت از دو جزء « ارد » و « آلان » ترکیب شده:

تختین دالی کا کجا بن از عهد بنی ساسان  
 بفر همت مر لای سیم آرد آلان شد

آرد و آرد معنی خاک و مجازاً معنی قهر و سرزمین است. چنانکه در زبان عربی، سرزمین روم را « ارض روم » می‌گویند؛

آرد آلان یا در معنی ترکیب آرد آلان هم معنی سرزمین و قهر و آلاله است که در این ترکیب حرف (ا-ا) ی آلان بصورت

تلفظ به دالی « ارد » داده شده، و پسند آلان بصورت لان، به ارد چسبیده است.

آلان دالی از تیره آریایی می‌باشند که نشان در سده اول میلادی در تاریخ ظاهر شده که از خصوصیات آنها دارن نام خود به سرزمین دالی  
 معرفی برد، و این نامها هم اکنون در کوهستان لرستان نام کوهها و رودها و کوهسپین طوائف دیده میشود.

واژه «آلان» همچون «ایران» معنی ایران می باشد. ادبی در دوسری کوهسار قفقاز، که زبانتان از گروه زبانهای شرقی ایرانی (سان شیند و زبانهای پامیر) و به اولتاف نزدیک است، به «د آریا» می گویند. ایران - Eran (درست بماند او را ایران) تا جیحان تا جیحان به «د آریا» می گویند آلان - Alen (آوانج در زبانهای فارسی به A نزدیک است). بنابراین آلان و ایران معنی آریا و ایران می باشد.

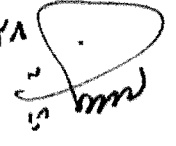
نام «ایران» در اوستا بصورت «ایریا - ایریا» و در پارسی باستان بصورت «د آریا - arya» آمده که هم معنی شرف و کب و اصل و هم نام قوم ایرانی است.<sup>۱۲</sup>

این واژه در زبان ایرلندی کنونی بصورت ایرا - ایری، با پسوند لند، ایرلند گفته می شود که معنی سرزمین آریا و کب می باشد. ایریا و آریا؛ در زبان پارسی بصورت آری یا آریان - arya و در زبان هندی ساسانی بقول ندله، با (ی) همگی (ب) بصورت ایران arya و پس ایران، و در زبانهای دیگر آریائی بشرح فوق بصورت آلان و ایران تغییر پیدا کرده اند.<sup>۱۳</sup>

معنی در اصل تاریخی ایریا و آریا؛ به ریشه ایر: (ir - ایر، ar - آری، ar - آری، ar - آری، al - ال) تبدیل شده اند و با پسوند «am - ان» به نامهای آلان، ایران، و در اینجا با آوای (ی) فارسی به ایران تبدیل شده و همه این برای ریشه ریش و معنی ایران و ایرانی و آریا و آریائی می باشد.

بنابراین برقراری ترکیب اردلان معنی سرزمین و قلمرو آریائیان و ایرانیان می باشد. و همانگونه که در لغت زیر مشاهده می شود سال ۱۳۷۵ یادآور شدیم جاییه این واژه کنونی ایرانی در جغرافیای سیاسی خانی است.<sup>۱۴</sup>

شب و نیت و هدیت تا بیاید نزدیک  
شب را چه کنه قصه حاجت دراز. و سلام و بگو ای دلگشا

۹۰۸۰۲۸  


بی‌ترتیباً:

۱- خندان کوردردلان درعلاقه امپراطوریه ایران و عثمانی، نشر تاریخ ایران، تألیف خانم شیرین کوردلان، ترجمه لغت کوردلان، سال ۱۳۸۷.

۲- همان.

۳- "

۴- شرفنامه تألیف امیر شرفخان بدلیسی قلم محمد عبیدی، زبده تاریخ کوردوردلان، ترجمه و تصحیح بدایه مرکز کوردلان، تألیف محمد امین زلی جلیب. انتشارات توس کوردلان.

خندان کوردردلان. شرفنامه صفحات ۱۱۸، ۴۵۹، ۴۵۷، ۴۵۸-۴۵۹، ۴۷۴-۴۷۵. هزاره ۹۵. خندان کوردردلان هر ۲۸ و

۵- زبده تاریخ کوردوردلان جلد ۲

۶- سر و بیست شاه صفی با خان احمد خان و لغز اتحاد کوردلان و هونیم، برچسب قلاع و درزها بدستور شاه صفی، از دست زلف سزینهار کوردلان، ترجمه محمد کوردلان

زغاب (۱۰۴۹)، قرارداد تقسیم ایران بین اشراف اقلان و عثمانی (۱۱۳۹) و ...

۷- Emerging thing MIDDLE EAST Book. Jacob Fellure.

۸- مرده کرموردن کوردلان. انتشارات کنعاش، امیندان، سال ۱۳۸۹. تاریخ و جغرافیه کوردلان میرزا کورام مندلی. با تعلیم و کوشش امین <sup>صحب</sup>

۹- خندا، لغتنامه کرمی فارسی هزاره، خندان کوردردلان، کوردان کوردلان (ترجمه میرزا زلی) انتشارات هومند کوردلان، مقام زیر خندا تاریخ صفیه

کتاب زبده تاریخ کوردلان جلد ۲.

۱۰- کوردان کوردان ۱۱- همان ۱۲- ایرانزج (ایرانزج) دکتر بهرام فره‌وشی. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ پنجم ۱۳۷۹

۱۳- تاریخ ایران: هنر پیرامینا. عبدالعزیز اقبال تا انوار هنر قاصدیه

۱۴- تفسیر معنی دوزخ کوردلان و ایراد و تفسیر در کتاب قبلی در مقام زیر خندا تاریخ و جبر کتب زبده تاریخ کوردلان کوشش امین <sup>صحب</sup>

هزاره در میرزی کوردلان بزبان کوردی، با دیر امین محمد صاحب مرزجی، روحانی، انتشارات تازه نگاه، سال ۱۳۸۱، در هفتاد

بروین شرف قبلی و انتشارات آخ در صفحات ۴۳-۴۸ این کتاب بنوعی عالمانه از محمد شتاب پانیا با تفسیر کتب کوردی کوردلان

محمد کوردلان